

به نام خداوند بخشنده ی مهربان



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

اداره کل استان ایلام

واحد کارشناسی آموزش و پژوهش

عنوان مقاله:

## ادبیات کودک و نوجوان

روح انگیزسهرابی

مربی مسئول امور فرهنگی

مرکز آبدانان

پاییز - ۱۴۰۱

## چکیده:

آثار ادبی کودکان با اهداف متفاوتی خلق می شوند زمینه سازی برای رشد، جنبه های فردی و اجتماعی کودکان و پرورش استعداد های ذهنی و شکوفایی ذوق هنری آنان از جمله اهداف ادبیات کودکان است که تولیدکنندگان این دسته، از آثار برای رسیدن به اهداف بالا و اثر گذاری بیشتر بر مخاطبان از شگردهای گوناگون بهره می گیرند، استفاده از از قالب های متفاوت از جمله قصه، شعر، ترانه... از شیوه ها و طرق مختلف عناصری مانند پیرنگ، کانون روایت، شخصیت پردازی و صحنه پردازی لحن و سبک و زبان دربرگیرنده ی رویکردی متفاوت در این عرصه می باشد. شیوه ی گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است در این تحقیق سعی شده است به پیشینه، اهمیت و ویژگیها و تعاریف ادبیات کودک پرداخته شود

## واژگان کلیدی:

ادبیات کودک نوجوان، ادوار

## مقدمه:

به مجموعه منابع نوشتاری و چاپی، بصری و شنیداری مانند کتابهای تصویری، قصه های فرهنگ های عامیانه، داستانهای رئالیستی، علمی و شعر اطلاق می شود. بشر در گذر تاریخ با وجود همه تفاوت های محیطی، زیستی و انگیزشی نیاز به آموزش و یادگیری داشته و دارد. جریانی که رد پای نوع غیر مستقیم آن در ادبیات، داستانها، شعر و قصه به عنوان دیرینه ترین و مهمترین روش بویژه برای طیف سنی کودک و نوجوان باشکله می، به شخصیت آنها دیده می شود. باور کنیم که پرورش ادبی نسل نو، تلاشی مبارک و ضروری در مسیر تداوم حیات فرهنگی زاینده جامعه ایرانی با غنای تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانانی فرهیخته به عنوان نسل آینده ساز کشور است.

بنا به یافته های روانشناسی، کودکان و نوجوانان به لحاظ مشخصات ذهنی از بزرگسالان جدایی شونده و به مقتضای همین مشخصات و شاخصه ها در حقیقت عالمی خاص خود دارند که آفرینندگان آثار معطوف به کودکان و نوجوانان باید به آن توجه کنند. ذهن کودک نه تنها با ذهن بزرگسالان متفاوت است، بلکه در هر مرحله از رشد خود نیز از جهت عاطفی و ادراکی ویژگیهای معینی دارد که برنگاه آنها به جهان تأثیر اساسی می گذارد. به همین صورت ذوق زیبایی شناسی در کودکان از جهاتی با ذوق زیباشناسی در بزرگسالان متفاوت است. چه بسا چیزهایی که برای بزرگسالان زیبا یا تراژیک یا هزل گونه باشد اما برای کودکان چنین نباشد در رویکرد به مبانی ادبیات کودک باید چنین مسائلی رانیز مورد بحث قرار داد.

## تعریف:

ادبیات کودکان عبارت است از هرگونه متنی که با چارچوب و طرح مشخصی به طور عمد و یا غیر عمد برای کودکان آفریده شده باشد (محور ساختاری) به صورتی که کودک با آن ارتباط برقرار کند (محور ارتباط شناسی) و این رابطه منجر به برانگیختن احساسات و عواطف و پدید آمدن لذت زیبایی شناسی شود (محور زیبایی شناسی) و تأثیرات خاص روحی و روانی روی کودک بگذارد و سبب رشد شناخت او شود. تأثیر شناخت شناسی ادبیات کودکان و نوجوانان به معنی واقعی آن، یعنی نوشته هایی که در آن حس و حال کودکانه حاکم باشد، به زبان و نثری مناسب سطح سواد کودکان نوشته شده و معمولاً همراه با تصاویر است؛ به عنوان یک شکل ادبی مستقل تقریباً از نیمه ی دوم سده ی هجدهم میلادی در جهان پدید آمده است. در ظهور دیر هنگام این نوع ادبیات، عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بودند. پیش از عصر جدید (رنسانس) به کودکان بیشتر همچون بزرگسالانی کوچک نگریسته می شد و ادبیاتی ویژه ی نیازهای خاص و سطح درک و فهم آنان ضروری شمرده نمی شد.

## قلمرو ادبیات کودک و نوجوان

۱- کتابهایی که باتوجه به نیازها و دل‌بستگی های کودکان به طور خاص برای آنها آفریده شده است.  
۲- آثاری از ادبیات کلاسیک مثل شاهنامه، کلیله و دمنه، ایل‌یاد و ادیسه که برای کودکان بازنویسی شده است.

۳- قصه ها و متل ها و چیستان های موجود در فرهنگ عامه که برای کودکان مناسب تشخیص داده شده و برای آنها به صورت کتاب منتشر شده است.

۴- کتابهایی که دراصل برای بزرگسالان آفریده شده ، ولی به خاطر مشخصه هایشان برای کودکان و نوجوانان نیز جالب و خواندنی است و به حوزه ادبیات کودکان تعلق گرفته است.

۵- کتابهای آموزشی که مورد توجه آموزش رسمی کودکان است و بااندکی آسان گیری می توان آنها را در زمره ی ادبیات کودک قرار داد.

### نقش ادبیات کودک و نوجوان

ادبیات کودک نقش خاص خود را نیز دارد. این نقش در جوه اصلی خود همان نقشی است که ادبیات بزرگسالان نیز دارد، ولی ادبیات کودک آن را در حوزه خاص خود ایفا می کند. برای هنر و ادبیات به طور کلی سه نقش اصلی در نظر گرفته شده است.

#### الف - نقش معرفتی:

نقش معرفتی هنر و ادبیات آشنا کردن ما با پدیده های مختلف زندگی مانند مناسبات اجتماعی انسانها، احساسات، اندیشه ها، عواطف، سجایا و سرشت انسان که در بسیاری از منابع چاپی دربرگیرنده پناختی از پدیده های گوناگون زندگی پیرامون است. که انتقال این اطلاعات از طریق کتابهای مربوط به حوزه ی دانستیهای علمی یا به صورت تحلیلی زرف تر از جلوه های گوناگون زندگی، مناسبات انسانی و اجتماعی در شعرو قصه و تصویر باشد.

#### ب- نقش عقیدتی :

نقش عقیدتی هنر و ادبیات این است که آفرینشهای هنری و ادبی به طور مستقیم و غیرمستقیم آزارشها و آرمانهای خاصی جانبداری می کند و آفرینشگر می تواند هنگام آفرینش اثر رسالت خاصی برای کار خود برگزیده باشد. یا اینکه به چنین رسالتی عقیده نداشته باشد. و این بدان معنایست که بین یک اثر جانبدار و اثری که بر مینای عدم اعتقاد آفرینشگر به جانبداری در هنر آفریده شده است، تفاوتی نیست . یک اثر هنری و ادبی می تواند سخت جانبدار باشد یا به ظاهر هیچ جانبدار نباشد، اما اثر به ظاهر غیرجانبدار نیز از ذهن انسان تراوش کرده و ذهن در دریافت و انتقال جلوه های زندگی نمی تواند بی طرف باشد. در حیطه ادبیات کودک بسیاری پذیرفته اند که آثار ادبی آزارشها، عقاید و آرمانهای خاصی، منطبق با ملاحظات فرهنگ پذیری و اجتماعی شدن کودک، باید دفاع کند.

#### نقش زیبایی شناختی:

ادبیات کودک باز آفرینی وجوه زیبایشناختی عرصه های زندگی کودک است که به نوعی موقعیتهای قهرمانی و ضد قهرمانی را تفسیر می کند و بدین وسیله ادبیات کودک ذوق زیبایی شناسی را رشد می دهد، ارزشهای اجتماعی و اخلاقی را به آنها منتقل می کند و عواطف، احساسات و تفکر کودکان را رشد داده

و به نیازهای رشدی و روان شناختی کودکان پاسخ داده و بالاترین دستاوردهای فرهنگ و دانش بشر را به آنها معرفی می کند.

## انواع ادبیات کودک و نوجوان

### داستان

داستان‌های واقعی و افسانه‌ها.

### غیرداستان

شامل مطالب علمی، کتاب‌های مربوط به اجتماع و محیط، کتاب‌هایی درباره‌ی اختراعات و اکتشافات،

زندگی‌نامه و شرح حال

### شعر

شامل لایبی‌ها، اشعار بی‌معنی و پوچ، اشعار شوخی‌آمیز بی‌سر و ته، قصه و حکایات منظوم است.

صاحب‌نظران و کارشناسان بر این اعتقادند که آماده نمودن کودک برای شناخت، دوست داشتن و ساختن محیط، شناساندن کودک به خویشتن، ایجاد احترام به اصالت انسانی و میل به اعتلای مداوم، سرگرمی و لذت‌بخش بودن، علاقه‌مند کردن کودک به مطالعه، ایجاد عادت به آن و ایجاد و تقویت صلح در جهان نیز از مهمترین اهداف ادبیات کودک و نوجوان هستند. با توجه به اینکه ابتدایی‌ترین ادبیات کودک و نوجوان برپایه قصه‌گویی است می‌توان این هنر را به عنوان زیربنای ادبیات این گروه سنی قرارداد و از مزایا و آثار مثبت این هنر در تربیت نسل آینده بهترین و بیشترین بهره را برد.

## ویژگی‌های مهم ادبیات کودک و نوجوان بدین شرح است:

۱. با زبان و بیان، توانایی درک و زبان نوشتاری، تخیل و تجربه‌های کودکان و نوجوانان متناسب است
۲. به رشد و پرورش شخصیت خواننده کمک می‌کند
۳. اهمیت تصویر را برای کودک و نوجوان برابر با اهمیت نوشته می‌داند و همواره بخشی از پیام را با تصویر بیان می‌کند.

## مهم‌ترین اهداف ادبیات کودک و نوجوان عبارتند از:

- الف. آماده کردن کودک برای شناختن، دوست داشتن و ساختن محیط.
- ب. شناساندن کودک به خویشتن، ایجاد احترام به اصالت انسانی و میل به اعتلای مدام.
- ج. سرگرم کردن و لذت‌بخش بودن.

د. علاقه‌مند کردن کودک به مطالعه و ایجاد عادت به آن.

ه. ایجاد و تقویت صلح در جهان.

تاریخ ادبیات کودک و نوجوان در همه کشورهای جهان کما بیش چهار مرحله داشته است:

۱. آفرینش و انتقال آثار ادبی به صورت شفاهی

۲. گردآوردن و نوشتن آثار ادبی شفاهی

۳. پدید آوردن آثار ادبی با الهام از آثار شفاهی

۴. آفرینش آثار ادبی ویژه‌ی کودک و نوجوان

## تاریخ ادبیات کودک و نوجوان در ایران

«مطابق تعاریف امروزی، سنگ بنای ادبیات کودک در ایران در دوره‌ی مشروطیت نهاده شده و در دهه‌های اخیر به رشد و شکوفایی خود رسیده است

اما این امر به معنای خالی بودن عرصه از وجود آثاری متناسب با کودکان و مطابق با ساختار اجتماعی و تربیتی دوران پیش از مشروطیت نیست. زمانی کودکان فقط از سرچشمه‌ی ادبیات شفاهی، لالایی‌ها، ترانه‌ها و ادبیات بزرگسالان سیراب می‌شدند و عمدتاً مخاطبان اصلی ادبیات عامیانه بوده‌اند، اما با گذر زمان و در اثر رشد فکری جامعه‌ی ایرانی، کودک نیز، که زمانی کمتر مورد توجه ادبیات رسمی بود، دارای ادبیات ویژه‌ی خود شد؛ یعنی ادبیاتی که مفهوم کودک را شکل موضوعی و نمادین برای بیان مطالب گوناگون جهت استفاده‌ی بزرگسالان به کار نمی‌برد، بلکه ادبیاتی که ویژه‌ی کودک بود و عواطف، احساسات، سن و سال و شخصیت او را مستقلاً در نظر می‌گرفت و رسماً<sup>۱</sup> برای او به تولید آثار ادبی می‌پرداخت. در این میان، گسترش دانش روان‌شناسی و تغییر یافتن نگاه انسان به کودک و استقلال بخشیدن به شخصیت او نقش بسیار مهمی در توجه نویسنندگان و شاعران به کودک ایفا کرد؛ به طوری که پس از سده‌ها حضور جانبی و فرعی کودک در ادبیات و بالبع در ادبیات ایران این بار

نویسنندگان و شاعران رسماً و مستقلاً به کودک و هر آنچه متعلق به اوست پرداختند. از این رو هر چه به دوران معاصر نزدیک‌تر می‌شویم این امر ملموس‌تر می‌شود؛ به طوری که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ انبوهی از آثار ادبی و ویژه‌ی کودکان در ایران تولید شده است.»

### جایگاه ادبیات کودک در تاریخ سرزمین ایران کهن

تاریخ پرفراز و نشیب سرزمین کهن ایران، از شادی‌ها و تلخی‌ها، جنگ‌ها و صلح‌ها و تغییر مرزهای جغرافیایی، اعتقادات مذهبی، ساختارهای اجتماعی و سیاسی و به دنبال آن آثار ادبی حکایت دارد.

آنچه در این سرزمین از ثبات نسبی برخوردار است و تفاوت چندانی با تاریخ دیگر سرزمین‌ها ندارد، وضعیت کودک و ادبیات مربوط به اوست. در ایران نیز مانند دیگر تمدن‌ها و سرزمین‌ها، از همان روزگار کهن به تربیت کودک توجه شده است؛ البته تربیتی از نوع کهن و سنتی آن و بر اساس بایدها و نبایدها و خواسته‌ها و طرز تفکر بزرگ‌ترها. در این سرزمین

نیز، مانند دیگر سرزمین‌ها، کودکان ادبیات ویژه‌ی خود را نداشتند و از ادبیات شفاهی بزرگسالان بهره می‌بردند.

در دوره‌ی اسلامی نیز، با وجود تأکیدها و سفارش‌های بی‌شمار در باب تربیت کودک و اهمیت آن، آثار پرداخته‌شده تفاوتی با آثار پیشین نداشتند؛ جز این که رنگ مذهبی ویژه‌ای به خود گرفته بودند. از زمان رسمی شدن فارسی دری و تولید آثار ادبی گران‌سنگی نظیر شاهنامه، قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، مثنوی مولوی و موش و گربه به این زبان، تغییرات ناچیزی در پردازش آثار ادبی برای کودکان به وجود آمد.

در این‌گونه آثار، گاه فصل‌های جداگانه‌ای برای تربیت کودکان، البته مطابق با معیارهای تجویزی گذشته در نظر گرفته شده، گاهی نیز از تصویر و مفهوم کودک استفاده‌های ادبی واقعی یا تمثیلی برده شده است. اما علی‌رغم تولید این آثار، به دلیل نظام طبقاتی جامعه و اختصاص ادبیات به دربارها و اهالی آن، نمی‌توان گفت که در این دوران ادبیات کودکان به معنی واقعی آن، که باید شامل هر کودکی با هر وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اعتقادی باشد، تولید شده است.

## ادبیات کودک در ایران پیش از اسلام

در ایران از قدیم به تربیت کودک توجه فراوان شده است؛ اما کودک، نسخه‌ی کوچک‌شده‌ی بزرگسالان به شمار می‌آمد و هدف از تربیت او آماده ساختن وی جهت پذیرش وظیفه‌ی پدری و مادری در آینده بود. کودک، پیشه‌ی طبقه‌ی خود می‌آموخت

• در ایران باستان، آموزش بین پنج تا هفت سالگی آغاز می‌شد

به او ادب آموخته می‌شد. نام نیک برایش برگزیده می‌شد. به او کردار نیک، گفتار نیک و پندار نیک یاد می‌دادند فرمان‌بردار بی‌چون و چرای پدر و مادر باشد. به گونه‌ای تربیت می‌شد که آموزه‌های اوستا، به همراه پندها و سفارش‌های شاهان در این راه او را یاری می‌دادند. آموزش و پرورش، در معنای واقعی آن، ویژه‌ی اشراف و اشراف زادگان بود؛ زیرا نیازی دیده نمی‌شد که

کشاورز، پیشه‌ور یا لشکری سواد خواندن و نوشتن داشته باشد. جامعه‌ی طبقاتی گذشته ایران ((هیرارشی))، مانند دیگر جوامع آن روزگار، افراد هر طبقه از ازل تا ابد ناچار بودند که در طبقه‌ی خود بمانند و توان شکستن ساختار طبقه و خروج از آن را نداشته باشند. متناسب با طرز زندگی، شکل رایج ادبیات قدیم، ادبیات اندرزی بود. اندرزنانه‌ها، معمولاً، به زبانی ساده و روان نوشته می‌شدند. در میان اندرزنانه‌های پهلوی، اندرزنانه‌هایی مربوط به کودکان و شیوه‌ی زندگی آنان وجود داشت که اندرز کودکان معروف‌ترین آنهاست.

## ادبیات کودک در اوایل اسلام

در اوایل دوره‌ی اسلامی در ایران، آموزش و پرورش کودکان در این سرزمین پیرو نظام آموزش و پرورش اسلامی بود؛ با این که کم‌کم، رنگ فرهنگ ایرانی به خود گرفت و آرام‌آرام تأثیر خود را بر فرهنگ غالب اسلامی بر جای نهاد. ناآشنایی تبارهای ایرانی به زبان قرآن، امر آموزش را برای کودکان دشوارتر از دوره‌ای کرد که کودکان ایرانی به زبان پدران و مادران خود آموزش می‌دیدند.

در بحبوحه‌ی این اوضاع و شرایط، ادبیاتی که برای کودکان پرداخته می‌شد یا به‌گونه‌ای بود که اثر در مقدمه یا متن به‌وضوح از کودک و نوجوان سخن می‌گفت و یا در قالب حکایتی کوتاه، پند و اندرز می‌داد. برخی از آثار، ویژه‌ی کودکان نبود؛ بلکه مانند آثار دوره‌ی پیشین می‌توانستند کودکان را نیز مخاطب قرار دهند. به‌طور کلی آثار دوره‌ی اسلامی که می‌توان آن‌ها را به‌گونه‌ای تصوّر کرد که برای کودکان پرداخته‌شده یا از کودکان سخن گفته‌اند،

دارای مشخصاتی مانند زبان و بیان ساده، روان و مناسب زمان، هماهنگی درون مایه‌ی اثر بانگش آن دوران نسبت به کودک و نوجوان و آموزش و پرورش برخوردار از درون مایه حماسی-پهلوانی، درون مایه‌ی پندآمیز و اندرز گونه بودن که آنها را از آثار ادبی دوره‌های دیگر متمایز می‌سازد.

### نتیجه گیری:

کودک، بزرگ‌سالی کوچک است که باید شیوه‌ی صحیح زندگی را به او یاد داد. این شیوه‌ی صحیح براساس معیارهای فراوانی چون مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی هر جامعه تعریف می‌شود. کودک، خود هویتی مستقل و دنیایی جدای دنیای بزرگ‌سالی دارد که باید آن را شناخت و با توجه به شرایط این دنیا با او برخورد کرد. این نظریه که حاصل پیشرفت علم روان‌شناسی است، بسیار متأخر است و همواره چالشی اساسی میان پیروان دو نظریه‌ی یادشده، وجود داشته است که بیشترین نمود آن را در آثار خلق‌شده در ادبیات کودک و نوجوان می‌توان مشاهده کرد. آنچه بدیهی است آن است که در تمام دنیا، باید ریشه‌ی ادبیات کودک را در ادبیات فولک و شفاهی جستجو کرد.

### منابع:

۱. شعاری نژاد، علی اکبر، ادبیات کودکان تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۷۰، چاپ پانزدهم، ۳۷.
۲. پولادی، کمال، بنیادهای ادبیات کودک تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۸۴.
۳. <https://fa.wikifeqh.ir>
۴. تاریخ ادبیات کودک و نوجوان (جلدهای مختلف)